

ضرورت کاربست عرفان اسلامی در مدیریت انقلاب اسلامی

اسدالله اسدی گرمارودی^{۱*}

علی شیخ الاسلامی^۲

اسمعیل منصوری لاریجانی^۳

چکیده

هدف: یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در پیدایش و بقای انقلاب اسلامی در کشور ایران، مدیریت عرفان اسلامی بر مشی امام خمینی(ره) است. عرفان اسلامی در این مشی فی‌نفسه در همه ابعاد وجودی بشر، اعم از مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، مکتبی یکپارچه عملی بشمار رفته و بیشتر خود را در بحث مدیریت اجتماع و نظام متجلی می‌سازد، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت تأثیر مثبت و منفی آن به نسبت قرب و بعد این مشی مدیریتی بر ساحت‌های انقلاب همچون فرهنگ، اقتصاد، سیاست و غیره ملاحظه می‌شود. این پژوهش با هدف تبیین ضرورت تأثیرپذیری انقلاب اسلامی از مدیریت عرفان اسلامی صورت می‌گیرد.

روش پژوهش: به‌کار گرفته شده مبتنی بر نظرات جمعی از صاحب‌نظران مرتبط در دو قلمرو عرفان اسلامی و مدیریت، است. بدین‌جهت در مرحله اول ضمن مطالعات کتابخانه‌ای و ساخت گزاره‌های مدیریتی از مجموعه احوال و مقامات در عرفان اسلامی و سپس تهیه پرسشنامه مرتبط با آن اهتمام شد و در نهایت این ضرورت مطابق سنجه پارسونز بررسی شد.

یافته‌ها: که با کفایت شایستگی نیل به اثربخشی در عمل مواجهه شد و در چهار بُعد اثربخشی: انطباق، کسب هدف، یگانگی و حفظ الگوها مورد تأیید صاحب‌نظران مرتبط قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: این پژوهش بهداشت و تقویت و ارتقاء نظام مدیریت انقلاب اسلامی را با بهره‌جویی از عرفان اسلامی ضروری دانسته و در پیش‌گیری از انحراف مدیران در سطوح مختلف انقلاب تأثیر گزار معرفی می‌نماید و نیز می‌تواند عامل و انگیزه مشوقی در پژوهش‌گری افزون‌تر این حوزه نسبتاً مغفول باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، عرفان اسلامی، سنجش پارسونز، انقلاب اسلامی.

Email: a142ag@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری تصوف و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: Dralishesholeslami15@gmail.com

۲- استاد گروه عرفان اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: e.mansourilarijani@gmail.com

۳- دانشیار گروه عرفان اسلامی، دانشگاه امام حسین(ع)، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

مقدمه

مدیر در حقیقت عمود خیمه یک سازمان و نماد و ماکتی از حقیقت سازمان تلقی می‌شود و مدیریت یک سازمان، اجتماع و کشور به‌عنوان ثروت و سرمایه گران‌سنگی به‌شمار می‌آید که در ایجاد ارزش افزوده ابعاد مادی و معنوی انسان و تحقق بخشیدن به انتظارات نو پدید ذینفعان درونی و بیرونی و تعامل صحیح با جامعه و ارتقاء کیفیت، تأثیر شگفت‌انگیزی دارد؛ با این وجود، ساختارهای مکاتب مدیریتی با همه محاسن و دستاوردها، همچنان با تداوم نظریه‌ای پس از نظریه‌ای، به دنبال پیدا کردن پازل‌های مفقود در تکمیل پلان مدیریت است. آن‌گونه که در مدیریت کلاسیک، انسان، موجودی مادی، اقتصادی و قابل کنترل با مشوق‌های صرفاً دنیایی است و از حیث نظریه سیستم‌ها نیز سیستمی بسته به شمار می‌رود. و از چنین ساختاری هرگز نمی‌توان انتظار ایفای نقش خلیفه الهی مدیر در نظام اسلامی را داشت و این چنین است مکاتبی همچون مدیریت نیوکلاسیک (جنبش روابط انسانی) که با بی‌اعتنایی به انسان و نیازهایش در پی مقاصد خویش است. و یا مکتب نوین (معاصر) به دلیل آنکه بر مبنای معیار و سنجه کرامت الهی انسان بنا نهاده نشده و بلکه روابط انسانی در خدمت افزایش تولید و به تعبیری اصالت تولید است، نتوانسته جهان تشنه به عرفان و معنویت را در قلمروهای مدیریتی درمان بخشد (احمدی، ۲۰۱۴). و اینجا است که عصر کنونی به دلیل گرایش به معنویت به عصر معنویت مسمی و بر مبنای چنین گرایشی شاهد خلق قارچ گونه عرفان‌های کاذب و دروغین هستیم که به هر حيله و خبائتی می‌کوشند تا تشنگان را از مشرب خود بنوشانند. در عرفان اسلامی انسان تجلی اسما و صفات خداوند به‌شمار می‌رود و همچنان که خداوند متعال «کل یوم هو فی شان» است، وجود انسان نیز از منظر عرفان اسلامی همواره در تجلی و تکامل از ناسوت تا ملکوت است. از این منظر، بر مبنای: «التَّاسَّ عَلَی دَیْنِ مَلُوكِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷: ۱۰۲). چنانچه ساختارهای مدیریتی و مشی مدیران در نظام اسلامی، آمیخته به آموزه‌های عرفان اسلامی شوند، تأثیر شگرف آن در همه دامنه‌های اجتماع و حفظ و قوام و دوام انقلاب اسلامی بهتر و بیشتر هویدا خواهد شد. و به هر میزان که مدیران سلوکی غیر از این سبک را پیشه سازند انقلاب با کژتابی‌هایی مواجه شده و چون خوره‌ای ارزش‌های انقلاب را نابود می‌سازد. لذا در این تحقیق نسبت به اعمال آموزه‌های مدیریت عرفان اسلامی به‌عنوان روح حاکم بر ساختارهای مدیریتی انقلاب اسلامی تأیید و تأکید می‌شود.

بیان مسأله

اینک پس از گذشت چهار دهه از عمر گران‌سنگ انقلاب اسلامی، آنچه بیش از پیش برای مدیران سطوح مختلف نظام جمهوری اسلامی می‌بایست مطرح نظر واقع شود این حقیقت است که انتظار کنونی آحاد ملت، از سطوح مختلف مدیران دستگاه‌ها فراتر از سال‌های اوایل انقلاب رفته و بلکه بی‌اغماض‌تر شده است. امروزه آحاد ملت، با بسترهای فراهم شده از امکانات ارتباطاتی همچون ماهواره، اینترنت، فضای مجازی و... حیات خود را در یک دهکده جهانی ملاحظه می‌کنند و سنجه و

سنگ ترازوی داوری در مقبولیت و رضایتمندی به‌ویژه در قلمرو تصمیمات و عملکرد مدیران را نه در سطح شهر و منطقه و کشور و بلکه با نگاه جهانی ارزیابی می‌کنند (رویکرد دهکده جهانی). و انتظار به جا و به حق مردم از مدیران، پس از چهار دهه از انقلاب آن است که بر مبنای ارزش‌های معنوی اسلام و انقلاب اسلامی، با رویکردی تکلیف مدارانه و تقرب الی‌الله، ارزیابی نمایند (رویکرد تکلیف مداری). خاصه حاکمیت ولایت فقیه در اداره اجتماع، برای آحاد ملت، انتظار به حقی را پدید آورده است تا مسئولان نظام اسلامی و مدیران دستگاه‌های مختلف را در تبعیت عملی و الگوپذیری از زندگی سبک‌بار و ساده امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی ببینند (رویکرد الگویی). همچنین عدالت که در اصول مذهب تشیع، اعلام مواضع در رویکردهای نظام اجتماعی تلقی می‌شود و انقلاب اسلامی منبعث از این دیدگاه همه تشنگان به عدالت و حتی آحاد نجیب دیگر ادیان کشور را خوش‌بینانه تا پای ایثار جان و مال به میدان آورده، به این امید که دست اندرکاران نظام با رویکرد عدالتی علوی و اجتناب از هرگونه دنیاخواهی و زراندوزی و اختلاس و قدرت طلبگی، ضامن نیک‌بختی آنان در زندگی باشند (رویکرد عدالتخواهی). بر این اساس سؤال اساسی این است که اِعمال مدیریت عرفانی در نظام جمهوری اسلامی به چه میزان می‌تواند تأثیر مثبت داشته باشد و مسئولان و کارگزاران انقلاب را از انحراف و به دام افتادن در زر و زور و تزویر مصونیت بخشد؟

اهمیت و هدف پژوهش

از آنجا که این پژوهش یک پژوهش بین رشته‌ای میان عرفان اسلامی و مدیریت انقلاب اسلامی است، کوشش خود را بر این هدف معطوف داشته است تا با بهره‌جویی از سنجش پارسونز، (۱) اثر بخشی مدل مدیریت عرفان اسلامی را بر نظام برآمده از انقلاب اسلامی بررسی و آن را در پیش‌روی مدیران و مسئولان قرار دهد، باشد تا با التفات و التزام به این مشی مدیریت، در اثربخشی نظام مدیریتی کشور مؤثر واقع شود و (۲) افزون بر آن، بنابه فرمایش نبی مکرم اسلام: «ان الله تعالی لم یکتب علینا الرهبانیه، انما رهبانیه اُمّتی الجهاد فی سبیل الله» (قمی، ۱۹۸۴، ج ۳، ۴۲۷). عرفان اسلامی را در حقیقت راستین‌اش با الگوپذیری از انسان کامل و کامل شدن مدیران در سیرو سلوکی بر مشی اسفار مترسّم صدرایی و امام خمینی (ره)، از انزوای منفی نجات بخشد. عرفان نابی که امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری با مشی آن مدیریت انقلاب و جهان اسلام را متحول و مستضعفان در بند جهان را امیدوار ساختند. سلوکی که قلب‌ها را تسخیر و بستر ساز حاکمیت جهانی انسان کامل را در پی خواهد داشت.

ادبیات پژوهش

در قرآن کریم (ذاریات، ۵۶) هدف از خلقت انس و جن، عبادت شمرده شده است. همچنان که برای انسان در مجموعه ماسوی الله، مقامی ویژه - مقام خلیفه‌اللهی - تعریف شده (بقره، ۳۰) و فرمایش:

«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنین، ۱۴). ناظر بر تجلی جمال و جلال نیکوترین آفریدگار بر انسان است. مطابق اندیشه عرفان اسلامی، نگاه مدیریت عرفان اسلامی به انسان و اجتماع علاوه بر امور دنیایی به مسائل فرادنیایی و اخروی به شدت معطوف است و این موضوع، فرایند مراقبت را در تعیین اهداف، رویکرد و روش‌ها و مقاصد نشان می‌دهد. «اسلام برای انسان مقام خلیفه الهی قایل است و غایت انسان را رسیدن به کمال واقعی متکی بر فطرت الهی و قرب الی‌الله با استفاده از مبانی وحی و سیره و سنت پیامبر(ص) و ائمه معصومین می‌داند و به رشد همه ابعاد وجودی انسان در جهان مادی و معنوی و اخروی توجه دارد. در حالی که در مکاتب سکولار، نگرش به انسان، نگرشی تک بُعدی و مادی و لذت‌گرایانه محض است در این مکاتب، به بُعد روحی انسان توجه نمی‌شود و با حذف دین و خدا، انسان را با دو بال عقل و علم، فعال مایشای هستی دانسته و مرگ را پایان زندگی و حیات انسان می‌داند این نگرش به هستی و انسان، دارای سبک مدیریت دنیاگرایانه و بهره‌کشی حداکثری از انسان بدون توجه به بُعد معنوی و روحانی او است» (بهرامی قصرچی، ۲۰۱۶). بدین جهت عارفان اسلامی برآنند تا با آموزه‌هایی برخاسته از معرفت‌های شهودی، تفسیری عارفانه از هستی‌شناسی و ماسوی‌الله و در رأس آن از انسان کامل، به‌عنوان تجلی و نمود آن «بود» به‌عنوان خلیفه خداوند ارائه نموده (عرفان نظری) و در مقام عمل، با التزام به الگوپذیری از حقیقت محمدیه در همه احوال و مقامات، سیر و سلوکی متعبدانه و موحدانه را در پیشگاه حضرت ربوبیت، جل و علا راهنما باشند، آنچه که در عرفان اسلامی توسط عارف در التفات به احوال و مقامات در تربیت نفس و تجلی خلیفه الهی در ذیل عناوینی همچون: وجودشناسی، نفس‌شناسی، معادشناسی، شناخت‌شناسی صورت می‌پذیرد در سفرهای معنوی و روحانی چهارگانه ذیل عنوان اسفار اربعه صدرالمتألهین می‌توان ملاحظه نمود آن‌گونه که سالک در سفر اول خود با سیر مِنَ الْخَلْقِ إِلَى الْحَقِّ یا سیر الی‌الله، ضمن در نوردیدن حجاب‌های ظلمانی نفس و حجاب‌های نورانی قلب و عقل و روح و در سفر دوم، یعنی سیر مَعَ الْحَقِّ فِي الْحَقِّ بِالْحَقِّ؛ بر همه اسمای حق به جز اسم مستأثر، واقف و با فنای ذات، صفات و افعال خود در حق، مقام ولایت را به کمال رسانده و نیز در سفر سوم، از سیر مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْخَلْقِ بِالْحَقِّ، با سفر در عوالم جبروت، ملکوت و ناسوت به مشاهده این عوالم پرداخته و نهایتاً در سفر چهارم یعنی سیر مِنَ الْخَلْقِ فِي الْخَلْقِ مَعَ الْحَقِّ، عارف با مشاهده خلایق و آثار و لوازم و سود و زیان دنیوی و اخروی برخاسته از آنها، از کیفیت بازگشت ایشان به سوی حق آگاه و برانگیزه‌ها، موانع و عواقب آن وقوف می‌یابد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱۳: ۱). این‌گونه نگاه استراتژیک، برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و ارزیابی هوشمندانه، درست همان نقطه‌ی مشترکی است که مدیر عارف اسلامی در قوام و دوام اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌کوشد تا در خود و دیگر همکاران و همیاران با مجال بخشی به استعدادها و قابلیت‌ها و رشد و ارتقای آنها و بهره‌گیری از توانمندی‌های افراد در رسیدن به اهداف سازمانی با رویکرد اثربخشی و کارایی که از آن در علم مدیریت به انجام کار درست و درست انجام دادن کارها نام برده می‌شود، برسد و همه مراحل اصول مدیریت مانند: برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج و بهره‌گیری

از منابع و امکانات، هدایت و رهبری و کنترل و ارزیابی را به اجرا گذارد. امری که از تلفیق این دو، ما را به مدیریتی ممتاز از مدیریت‌های سکولار در کرسی مدیریتی مبتنی بر آموزه‌های عرفان اسلامی رهنمون می‌سازد. اسلام ناب محمدی در تحقق شریعت خود در آیه ۲۹ سوره فتح، معیت افراد را به‌عنوان یاران رسول الله(ص)، با دو صفت بارز: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و «تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجْدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ» ترسیم می‌نماید، و این بدین معناست که شرط در معیت رسول الله بودن، رویکردی تولی و تبری داشتن است، تا انسان بتواند توفیق طریقت نبوی را داشته باشد و این حاصل نمی‌شود مگر در خاکریز مقامات عبودیت عرفان ناب که به فضل الهی سالک الی‌الله توفیق سر نهادن بر آستان حضرت حق را می‌یابد. علی‌علیه السلام در توصیف یاران خاص حضرت حجت(عج)، به یاورانی اشاره دارد که در رکاب حقیقت مهدوی، راهبان شب و شیران روزند: «فِيهِمْ رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوَىٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَىِّ النَّحْلِ. يَبْتَغُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يَصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ. رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ، لُيُوثٌ بِالنَّهَارِ». حضرت را یارانی است که، شب هنگام نخوابند. بسان زمزمه‌ی زنبور عسل، زمزمه نمازشان برپاست. از شب تا به صبح در حال قیام و رکوع و سجودند و بامدادان بر مرکب‌هایشان سوارند. آنان، راهبان شب و شیران روزند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۳۰۴). در روایتی از پیامبر اسلام آمده است: «که فرزند عثمان بن مظعون از دنیا رفت. عثمان بسیار غمگین شد تا آنجا که خانه‌اش را مسجد قرار داد و مشغول عبادت شد و هر کاری را جز عبادت ترک گفت. این خبر به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسید. او را احضار کرده فرمودند: «یا عثمان ان الله تبارک و تعالی لم یکتب علینا الرهبانیه انما رهبانیه امتی الجهاد فی سبیل الله» (متقی الهمدی، ۱۹۸۹، ج ۳: ۷۵۸). دعوت مردم به سوی خدا و دور ساختن بندگان از پرستش بت‌ها و قیام به عدالت و اجرای قسط، از مهم‌ترین اهداف انبیا بوده است. امام خمینی(ره) در اثبات این مطلب می‌فرماید:

«برای این که کمی معلوم شود فرق میان اسلام و آنچه به‌عنوان اسلام معرفی می‌شود تا چه حد است، شما را توجه می‌دهم به تفاوتی که میان قرآن و کتب حدیث، با رساله‌های عملیه هست: قرآن و کتاب‌های حدیث، که منابع احکام و دستورات اسلام است، با رساله‌های عملیه، که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می‌شود، از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگانی اجتماعی می‌تواند داشته باشد به کلی تفاوت دارد. نسبت اجتماعیات (آیات اجتماعی) قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است! از یک دوره کتاب حدیث، که حدود پنجاه کتاب است و همه احکام اسلام را در بردارد، سه - چهار کتاب مربوط به عبادات و وظایف انسان نسبت به پروردگار است؛ مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است؛ بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق و سیاست و تدبیر جامعه است» (خمینی، ۱۹۷۷: ۵).

حال سؤال اساسی چنین است که با وجود چنین اسلامی آیا می‌توان به اسم اسلام، از عرفان خلوت و انزوا و رهبانیت سخن به میان آورد؟ مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج

مستضعفین این‌گونه فرمودند که: «... این حدیث معروف «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» و از این قبیل، فراوان آیات و روایاتی در متون اسلامی است که این جزو بینات اسلام است؛ یعنی اسلام انسان را این‌جور خواسته است که مسئول باشد؛ هم نسبت به خود، هم نسبت به نزدیکان خود، هم نسبت به جامعه‌ی خود، هم نسبت به بشریت مسئول است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۶). امام خمینی می‌فرماید: «باید اهتمام به امر مسلمین داشته باشیم. اهتمام به امر مسلمین این نیست که من بروم نماز، امور مسلمین عبارت از امور سیاسی و اجتماعی مسلمین است. تمام انبیا از صدر بشر و بشریت، از آن وقتی که آدم - علیه السلام - آمده تا خاتم انبیا - صلی‌الله علیه و آله و سلم - تمام انبیا برای این بوده است که جامعه را اصلاح کنند؛ فرد را فدای جامعه می‌کردند. ما فردی بالاتر از خود انبیا نداریم. ما فردی بالاتر از ائمه علیهم السلام نداریم این فردها خودشان را فدا می‌کردند برای جامعه. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (الحديد، ۲۵). غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ... قیام بالقسط و مردم را به قسط وارد کردن مگر می‌شود بدون دخالت در امور سیاسی؟ مگر امکان دارد بدون دخالت در سیاست و دخالت در امور اجتماعی و در احتیاجات ملت‌ها، کسی بدون این که دخالت کند، قیام به قسط باشد؟ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ باشد؟ (خمینی، ۱۹۸۱، ج ۱۵: ۲۱۵).

بی‌شک چنین اسلام نابی در شریعت خود به‌عنوان «علت محدثه»ی سعادت آفرینی و کمال‌زایی، طریقت عرفانی ناب را می‌طلبد تا به‌عنوان «علت مبقیه»، امکان وصول حقیقت را میسر سازد. و چنین عرفان نابی همان عرفانی است که بر مبنای عبودیت و فناء فی الله، زاهدان شب و شیران روز می‌پروراند. عرفانی است جهت بخش عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، و... که: «به جامعه با سه عنصر هدایت تربیت ولایت می‌نگرد و سالک در فرآیند تعریف و تنظیم ارتباط با خدا به تعریف و تنظیم ارتباط با اجتماع نیز اهتمام ورزد و عارف» با تفسیری عارفانه از اجتماع و جامعه به‌عنوان تجلی الهی می‌کوشد تا جامعه را از کثرت به سوی وحدت سوق دهد. بنابراین دو مقوله ۱. هدایت اجتماعی، ۲. مدیریت اجتماعی (مدیریت مبتنی بر اسمای حسناى الهی، مدیریت متعالیه توحیدی) در آن از موقعیت ممتاز برخوردار است که در سفر سوم و چهارم اسفار اربعه عرفانی متبلور می‌شود و می‌تواند جامعه‌شناسی و جامعه‌سازی خاص خود را به ارمغان بیاورد. انسان کامل است که مسئولیت هدایت تربیت و تحقق عدالت اجتماعی را پس از سفرهای یاد شده بر عهده می‌گیرد (رودگر، ۲۰۱۸: ۹۱۷-۹۱۶). شهید مطهری می‌فرماید: «عرفان هیچ‌وقت در نهایت امر، سر از خدمت به خلق در نمی‌آورد، در وسط راه و بلکه در مقدمه راه سر از خدمت به خلق در می‌آورد. خدمت به خلق در عرفان هست و باید هم باشد ولی خدمت به خلق نهایت عرفان نیست، خدمت به خلق مقدمه‌ای از مقدمات عرفان است (مطهری، ۲۰۰۴، ج ۳: ۲۸۹).

امام خمینی(ره) می‌فرماید: «خلافت ظاهری که منصب الهی است همانند نبوت امری است که بر مردم پوشیده است، روی این جهت تصریح به آن واجب و لازم است. قسم به جان دوست که تصریح و تنصیب خلافت بر پیامبر از بزرگترین واجبات الهی بوده و تضییع این مسئله خطرناک با بیان نکردن آن باعث تشمت امر است و اختلال آثار نبوت و از بین رفتن آثار شریعت می‌شد. این کار از قبیح‌ترین اموری است که نسبت به افراد عادی سزاوار نیست چه رسد به اینکه به پیامبر اسلام نسبت داده شود» و در شرح «فص یعقوبیه» می‌نویسد: «و الناموس هو الشرع»، ناموس همان چیزی است که انسان در مقام حفظ و اختفای آن می‌کوشد و چون مقصد انبیای الهی بسط معرفت حق و معروفیت و معبودیت آن در عالم است و این مقصد محقق نمی‌شود مگر با حفظ اموری، لذا حفظ و صیانت نوامیس پنج‌گانه الهی ضروری است: ناموس حیات (به وسیله آن معرفت و موجودیت حاصل می‌شود). ۱- ناموس عقل (به وسیله آن خدا شناخته و عبادت می‌شود). ۲- ناموس مال (به وسیله آن معاش و معاد مردم اصلاح می‌شود). ۳- ناموس عرض (که با حفظ آن توالد و تناسل و بسط معروفیت و معبودیت محقق می‌گردد). ۴- ناموس شریعت (که همان ناموس عبودیت و معروفیت است) (خمینی، ۱۴۰۶: ۱۴۳-۱۴۴).

پیامبر فرمودند کسی که برای رفع نیاز برادر مؤمن خود کوشش نماید مانند این است که ۹ هزار سال خداوند متعال را عبادت نموده در حالی که روزها را روزه گرفتن و شب‌ها را هم شب زنده‌داری نموده (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴: ۳۱۵). و نیز فرمودند: «الْخَلْقُ عِبَادُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُ مَنْ نَفَعَ عِبَادَ اللَّهِ، وَأَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا» (کلینی، ۱۴۰۰: ۱۶۴). خلق، نانخور خدایند، از این رو محبوب‌ترین خلق در نزد خدا، کسی است که به نانخوران خدا سودی برساند و خانواده‌ای را شادمان کند. پیامبر بزرگوار اسلام(ص) محبوب‌ترین بندگان را در نزد خداوند این‌گونه معرفی می‌نماید: «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ، وَأَقْوَمُهُمْ بِحَقِّهِ؛ الَّذِينَ يُحِبُّونَ إِلَيْهِمُ الْمَعْرُوفَ وَفِعَالَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۷-۱۵۲). محبوب‌ترین بندگان در نزد خداوند، سودمندترین‌شان نسبت به بندگان و پاینده‌ترین‌شان نسبت به گزاردن حَقِّش است؛ کسانی که خداوند، کار نیک و انجام دادن آن را محبوبشان ساخته است. بدیهی است برای تحقق چنین مقصد والای الهی، بیش و پیش از هر چیز باید به تربیت نفوس و در رأس آنها مدیران را در تربیتی عرفانی که همانا سیر و سلوک در عبودیت حضرت حق است مجهز و ممهّد نمود. همه موارد بر شمرده شده از کتاب و سنت و مشی و سیره امام و مقام معظم رهبری حکایت از واقعیتی می‌کند که همانا اعمال مدیریت عرفان اسلامی می‌تواند ضامن بقا و دوام اهداف و رسالت انقلاب اسلامی باشد.

پیشینه پژوهش

هر چند تاکنون پژوهشی بین رشته‌ای تحت عنوان مدیریت عرفان اسلامی و انقلاب اسلامی صورت نگرفته است ولی تلاش‌های قابل ستودنی از سوی برخی پژوهشگران پیرامون معنویت و عرفان و انقلاب به‌عمل آمده است همچون:

- فیروزه خرمپور در مقاله بایسته‌های اخلاقی مدیریت معنوی امام علی(ع) در بُعد حکومت‌داری اجتماعی، (فصلنامه علمی تخصصی رهیافت فرهنگ دینی، شماره ۴، صفحه ۱۶۱-۱۸۷، زمستان ۲۰۱۸) آورده است: «آنچه از این مقاله دریافت می‌شود این است که حضرت علی(ع) به‌عنوان کامل‌ترین الگو در تأسیس دولت دینی محسوب شده و برخی از ویژگی‌های بایدهای دولت دینی از منظر ایشان بدین شرح است: عنایت به بیت‌المال، احتراز از اندوختن مال نزد متصدیان حکومت، زهد و ساده‌زیستی گردانندگان امور حکومتی، امر به معروف و نهی از منکر، توجه به حال فقرا و دردمندان، عدالت محوری، شفاف‌سازی، ندادن فرصت به فرصت‌طلبان، عنایت خاص به قوای نظامی و... پس اگر دولتی می‌خواهد ادعای دینی بودن داشته باشد، موفق نخواهد شد مگر با مزین شدن به این صفات و این مقدور نخواهد بود مگر با الگو گرفتن از حکومت علی(ع)».
- دکتر حسین پیرکولیوند و دیگران در «بررسی تأثیر معنویت‌گرایی کارکنان بر مدیریت ضربات روحی سازمانی در یک بیمارستان» (۲۰۱۷) به دنبال این بوده‌اند تا تأثیر معنویت‌گرایی کارکنان را بر مدیریت ضربات روحی سازمانی ارائه نموده و راهکارهای مشخصی به بیمارستان‌ها و محیط‌های درمانی جهت مدیریت ضربات روحی سازمانی ارائه نماید.
- حبیبه نجفی و دیگران (۲۰۱۷) در مقاله «تأثیر رهبری معنوی بر رضایت شغلی کارکنان با میانجی‌گری سلامت معنوی برای ارائه مدل معادله ساختاری» در یافته‌اند که: رهبری معنوی با رضایت شغلی رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین رهبری معنوی از طریق تأثیر مثبت بر سلامت معنوی، موجب افزایش رضایت شغلی کارکنان می‌شود؛ و توصیه نموده‌اند این سبک رهبری را به‌عنوان سبک رایج و غالب در برنامه‌های خود به کار گیرند و باعث افزایش رضایت شغلی و عملکرد سازمان خود در دنیای رقابتی امروزی شوند.
- سیده خدیجه معافی مدنی و دیگران (۲۰۱۵) در مقاله: واکاوی موانع مدیریت معنوی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان مازندران، نتیجه گرفته‌اند که ۷ عامل موانع مدیریت معنوی در دانشگاه می‌تواند نمود پیدا کند، که این ۷ عامل عبارتند از: مادی‌گرایی، تمرکزگرایی، فردگرایی، موانع اقتصادی، منفعت‌گرایی، حاشیه بودن اساتید و زندگی بی‌هدف.
- سید مهدی الوانی و دیگران (۲۰۱۳) در مقاله ارائه مدل رهبری معنوی در نظام اداری ایران با رویکردی توسعه‌ای، با بهره‌گیری از نظرات خبرگان و از طریق پیمایش تعدادی دستگاه‌های دولتی، نقش سازه‌های رهبر معنوی، پیروان معنوی و زمینه معنوی را در اثربخشی رهبری بررسی نموده و از نتایج پژوهش آن است که سازه‌های جدید نقش معناداری در پیش‌بینی اثربخشی رهبری دارند.
- در مقاله تأملی بر معنویت سازمانی با رویکرد اسلامی (۲۰۱۳) این نتیجه استخراج شده است که: تمرکز بر معنویت می‌تواند وسیله‌ای باشد برای کنترل محیط، جلوگیری از تعارض، پذیرش اهداف سازمانی و کسب موفقیت به‌گونه‌ای که گروهی بر این باورند که باید معنویت را بخش مهمی از برنامه‌های سازمان به حساب آورد.

- شریفیان مهدی و همکاران در مقاله «تجلی حماسه و عرفان عاشورایی در ادبیات انقلاب اسلامی ایران» (ادبیات پایداری، ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان، پاییز ۲۰۱۱ و بهار ۲۰۱۲، دوره ۳، شماره ۵-۶، صفحه ۲۳۷ - ۲۵۷) آورده است. انقلاب اسلامی ایران، پدیده‌ای شگرف و آرمان‌گرا در آستانه قرن بیستم بود. این انقلاب در تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به‌ویژه ادبی، تأثیر بسیار عمیقی برجای گذاشته است. ادبیات انقلاب اسلامی بیش از هر زمان دیگر، تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه الگوهای مذهبی تشیع قرار گرفت و در این میان، نقش کربلا و حادثه ماندگار عاشورا از برجستگی بیشتری برخوردار است. از جلوه‌های حماسی عاشورا که در ادبیات انقلاب اسلامی نمود بسیاری یافته است، می‌توان به سازش‌ناپذیری در برابر ظالمان، ترجیح مرگ با عزت بر زندگی ذلت بار و استقبال از مرگ سرخ اشاره کرد. از جلوه‌های عرفانی این حادثه بزرگ می‌توان به مفاهیمی مانند عشق به خدا، یاد خدا، ایثار و نثار، شکوه نماز، صبر، رضا و تسلیم و نهایتاً نگاه عارفانه به مرگ را نام برد. این مقاله به شیوه توصیفی و با مراجعه به دیوان شاعران جوان انقلاب اسلامی نوشته شده است و هدف آن، آشنایی بیشتر نسل امروز با مضامین دینی ادبیات انقلاب اسلامی ایران است.

- محمد جواد رودگر در مقاله «انقلاب اسلامی و عرفان با رویکردی به آرای امام خمینی» (مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، زمستان ۲۰۱۱، شماره ۲۷) آورده است: روح الهی - توحیدی و روحیه معنوی - عرفانی امام در حدوث و بقای انقلاب اسلامی تأثیر کامل داشته و گفتمان حاکم بر آن شده است. مقاله حاضر به بررسی نقش عرفان (البته با قرائت امام خمینی(ره)) بر انقلاب اسلامی و انقلاب اسلامی بر عرفان‌گرایی و معنویت‌گرایی و رویکردی انتقادی به نسبت عرفان و سیاست در اندیشه برخی متفکران و عرفان‌واره‌های جدید پرداخته است. مسئله اصلی مقاله، تحلیل ترابط و تعامل عرفان و انقلاب اسلامی است تا نشان دهد که عرفان امام خمینی(ره) نقش بنیادین از حیث معرفت‌شناختی - جامعه‌شناختی در آن داشته و قرائت امام از عرفان، قرائتی جامع و کامل، جهادی - حماسی و عدالت‌خواهانه است.

- حجت الاسلام حسنعلی نورپها در مقاله «عرفان امام و تأثیر آن بر انقلاب اسلامی ایران» (مجموعه آثار کنگره اندیشه‌های اخلاقی عرفانی امام خمینی(ره)، ۲۰۰۳، جلد ۱۵، صفحه ۲۱۷) ضمن اشاره به ابعاد وجودی امام خمینی(ره) ویژگی‌های عرفان عملی امام(ره) را نیز، مورد بررسی قرار داده است.

- فاطمه شیخی‌نژاد و گلناز احمدی (۲۰۰۸) در مقاله «مدیریت در پرتو معنویت»، اظهار داشته‌اند معنویت در سازمان، پدیده نوظهوری است که بسیاری از صاحب نظران مدیریت و مدیران سطوح مختلف سازمان را به خود جلب کرده است. بر این اساس، بسیاری از آنان معنویت را به‌عنوان منبعی پایدار برای سازمان‌ها دانسته‌اند که می‌تواند به آنها در زمان‌های پرتلاطم و آشوب‌زده، یاری رساند و تناقض‌نمایی نظم و بی‌نظمی در سازمان را حل و فصل کند.

- خدیجه کاظمی در مقاله «مدیریت با تکیه بر معنویت» (۲۰۰۸) معتقد است دلایل سودمند بسیاری برای بررسی رابطه معنویت و مدیریت وجود دارند. یکی از آنها تأثیری است که معنویت بر رفتار مدیریتی دارد و دیگری دورنمای کار توام با معنا است. ایجاد معنویت در کار، دارای مزایای بسیاری برای مدیریت کارکنان و سازمان است. معنویت، ماهیت کار را تغییر می‌دهد. افراد در جستجوی معنا در کارشان هستند، آنها به دنبال راهی هستند که زندگی کاریشان را با زندگی معنویشان پیوند بزنند.

- حسن عابدی جعفری و عباسعلی رستگار (۲۰۰۷) در مقاله پژوهشی خود با عنوان: «ظهور معنویت در سازمان‌ها: مفاهیم، تعاریف، پیش فرض‌ها، مدل مفهومی، و هدف مقاله را دست‌یابی به یک چارچوب نسبتاً جامع و قابل قبول از معنویت که بتواند همه ابعاد وجودی انسان شامل؛ زیستی، اجتماعی، روانی و معنوی را در برگیرد. اعلام نموده‌اند با تأکید بر نوع شناسی از سنخ معنویت فرادینی با رویکرد شناختی که بر اساس آن مدل مفهومی تحقیق برای تمهید بستری جهت پژوهش‌های آینده ترسیم شده است.

- مهدی مطهرنیا در مقاله «عرفان سیاسی در فرایند انقلاب اسلامی ایران»، (فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، بهار ۲۰۰۳ شماره ۵، صفحات ۴۲ تا ۵۳) می‌نویسد: عرفان سیاسی، ارجاع حضور و ظهور معنوی انسان در صحنه‌های پریچ و خم زندگی؛ و دنیای پرآشوب «سیاست» است. «طریقتی» است که زاده‌ی شریعت «آزادگی و جوانمردی» است؛... از این دیدگاه معنویت‌گرایی در عرصه‌ی انقلاب به صورت ناآگاهانه - ولی مبتنی بر شعور تاریخی - و در سطح گفتار (Parole) ظهور پیدا می‌کند و در سپهر «واقعیت بیان» خویش به دنبال کارکرد ارجاعی خاص خود برمی‌آید. در چنین دیدگاهی عالی‌ترین دقیق‌گفتمان معنویت‌گرایی در انقلاب، ارجاع گفتار معنویت‌گرا به «عمل» و «کنشی» است که هویتی مملو از معنویت و منطق با گفتار را در فراسوی دیدگان عینیت بخشیده است.

روش‌شناسی پژوهش

در رساله دکتری تأثیر آموزه‌های عرفان اسلامی بر اصول مدیریت - که این مقاله از متن آن استخراج شده است، به ترتیب تلاش شد، تا با بررسی کتابخانه‌ای و با پیدا کردن چارچوب‌هایی، رویکرد مصاحبه فراهم و جهت تهیه پیش‌نویس اقدام به مصاحبه عمیق با ۷ نفر از صاحب‌نظران طی چند جلسه صورت گیرد و سپس از ۲۹ نفر متخصص از دو گروه درخواست شد اعتباربخشی پیش‌نویس الگو را که شامل ۴۰ گزاره مدیریتی از آموزه‌های احوال و مقامات عرفان اسلامی بود اصلاح نمایند. این افراد ضمن داشتن تجربه مدیریتی در تشکیلات انقلاب، با موضوع عرفان و مباحث مدیریت نیز آشنایی داشته‌اند. انتخاب آنها نیز با روش گلوله برفی^۱ یا زنجیره‌ای و تا مرحله اشباع نظری^۲ ادامه یافته است و با استفاده از روش «کیو» اعتباریابی شد. در گام دوم که حاصل این پژوهش است، تلاش شد با استفاده از «سنجه

1. Snowball sampling method

2. Theoretical saturation

پارسونز» که هدفش کشف اندیشه‌ها و نگرش‌ها درباره یک موضوع است (دانایی فرد و دیگران، ۲۰۱۱: ۶۰). ذهنیت متولیان را در حوزه آموزه‌های عرفان اسلامی و کاربست مدیریت مبتنی بر آن را به‌عنوان عوامل مؤثر و تأثیرگذار در صیانت و تعالی انقلاب، برای به‌چنگ آوردن دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان (استاکسن و دورسن، ۲۰۱۱: ۱۶۴) شناسایی و تحلیل کند.

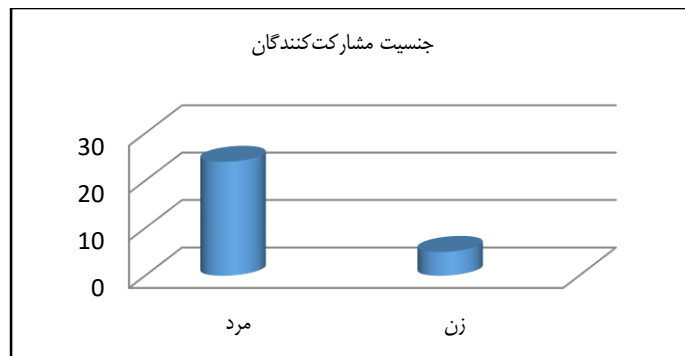
۱- داده‌های توصیفی

متغیرهای جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان به‌منظور بررسی وضعیت جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان، در این بخش، متغیرهای مربوطه افراد مورد مطالعه ارائه می‌گردد.

جدول ۱: متغیر جنسیت مشارکت‌کنندگان

جنسیت	شاخص‌ها	تعداد	درصد
مرد		۲۴	۸۲٪
زن		۵	۱۸٪
جمع		۲۹	۱۰۰٪

در جدول (۱) وضعیت متغیر جنسیت مشارکت‌کنندگان مشاهده می‌شود. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند از بین مشارکت‌کنندگان، تعداد ۲۴ نفر (۸۲ درصد) مرد و ۵ نفر (۱۸ درصد) افراد مورد مطالعه زن می‌باشند.

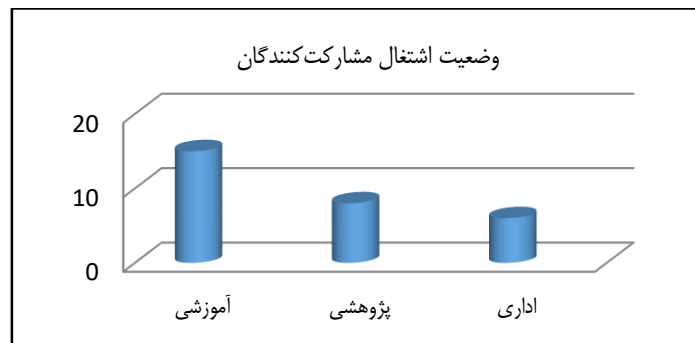


نمودار ۱: توزیع نمونه برحسب جنسیت مشارکت‌کنندگان

جدول ۲: متغیر وضعیت اشتغال مشارکت کنندگان

درصد	تعداد	شاخص‌ها	وضعیت اشتغال
۵۱٪	۱۵		آموزشی
۲۷٪	۸		پژوهشی
۲۳٪	۶		اداری
۱۰۰٪	۲۹		جمع

جدول ۲ وضعیت متغیر وضعیت اشتغال مشارکت کنندگان را نشان داده است. نتایج بیانگر این است که وضعیت اشتغال ۱۵ نفر (۵۱ درصد) آموزشی، ۸ نفر (۲۷ درصد) پژوهشی و ۶ نفر (۲۳ درصد) اداری می‌باشند.



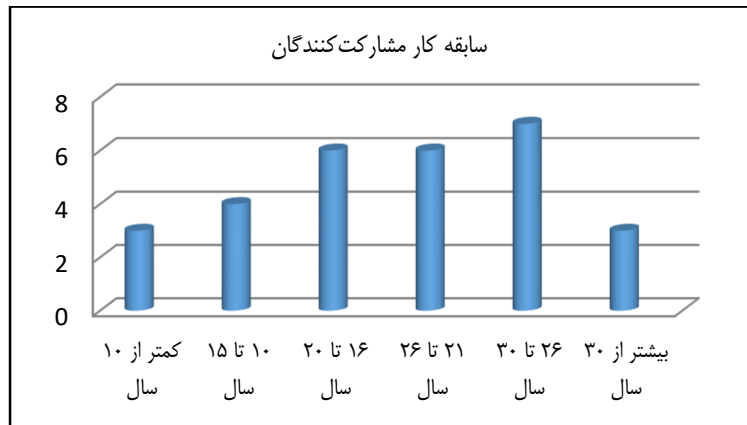
نمودار ۲: توزیع نمونه بر حسب وضعیت اشتغال مشارکت کنندگان

در نمودار ۲ نیز وضعیت اشتغال مشارکت کنندگان به تفکیک نشان داده شده است.

جدول ۳: متغیر رشته تحصیلی مشارکت کنندگان

درصد	تعداد	شاخص‌ها	رشته تحصیلی
۳۳/۵	۱۰		الهیات
۷,۵	۲		فلسفه تعلیم و تربیت
۳۸,۵	۱۱		مدیریت
۷,۵	۲		جامعه شناسی
۱۳	۴		سایر
۱۰۰٪	۲۹		جمع

وضعیت رشته‌ی تحصیلی مشارکت‌کنندگان در جدول ۳ نشان داده شده است. بر این اساس بیشترین فراوانی شرکت‌کنندگان مربوط به رشته مدیریت با ۱۱ نفر (۳۸/۵ درصد) بوده است.



نمودار ۳: توزیع نمونه برحسب سابقه کار مشارکت‌کنندگان

یافته‌ها و نتایج

سؤال: اثربخشی مدل مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی در سازمان چگونه است؟
برای پاسخ‌گویی به این سؤال از پرسشنامه اثربخشی ۲۸ سؤالی پرسونل استفاده شده است:

جدول ۴: پرسشنامه پرسونل

ردیف	تأثیر الگوی مدیریت مبتنی بر آموزه‌های عرفان اسلامی بر:	درجه تأثیر				
		۱	۲	۳	۴	۵
۱	ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل بین مدیر و کارکنان					
۲	افزایش انگیزه و حس مسئولیت‌پذیری بین کارکنان					
۳	افزایش رضایت شغلی کارکنان					
۴	بهبود روابط انسانی در محیط کار					
۵	افزایش توان یادگیری کارکنان					
۶	استفاده مناسب از اطلاعات و تجربه کارکنان					
۷	ارتقای کیفی عملکردها و فعالیت‌ها					
۸	ارتقای کمی عملکردها و فعالیت‌ها					
۹	کاهش مقاومت در برابر تغییرات					
۱۰	ایجاد زمینه مناسب برای خلاقیت و ابتکارات سازمان					
۱۱	بهبود در روش‌های کاری					

۱۲	کاهش نارضایتی ارباب رجوع و مشتریان
۱۳	بهبود شرایط کار و سرعت بخشیدن به روند جریان پاسخگویی
۱۴	مشارکت فعال کارکنان در انتقال اطلاعات حرفه‌ای
۱۵	مشارکت فعال کارکنان در تصمیم‌گیری‌های سازمان
۱۶	افزایش تعهد کارکنان نسبت به سازمان
۱۷	همسو شدن اهداف کارکنان با اهداف سازمان
۱۸	انعطاف‌پذیری روش‌های کاری در شرایط گوناگون
۱۹	نظام ارزیابی مناسب و اثربخش
۲۰	هماهنگی میان اهداف و عملکردها و فعالیت‌ها
۲۱	انگیزه یادگیری مشارکتی در کارکنان
۲۲	انسجام منابع مالی و مادی سازمان
۲۳	فرهنگ بالای تشریک مساعی و همکاری تیمی
۲۴	برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه و متناسب با جوامع امروزی
۲۵	نظام رفاهی و حمایتی کارکنان و سیستم پاداش و ترفیع رضایت بخش
۲۶	مدیریت زمان
۲۷	نظارت و کنترل بر هزینه‌های مصرفی و عمرانی و تأکید بر پاسخ‌گو بودن
۲۸	وجود روحیه بالای کاری و تعهد به شغل و وظایف محوله

این سنجه دارای چهار مؤلفه اصلی: انطباق، کسب هدف، یگانگی و حفظ الگوها است.

تعیین پایایی پرسشنامه

جدول ۵: ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های اثربخشی

مؤلفه‌ها	شماره سؤالات	آلفای کرونباخ
انطباق	۶-۱۱-۱۳-۱۵-۱۶-۱۸-۲۱	۰/۷۹
کسب هدف	۱-۲-۷-۱۲-۱۴-۱۷	۰/۷۱
یگانگی	۳-۴-۸-۹-۱۰-۲۰-۲۲	۰/۷۳
حفظ الگوها	۱۹-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸	۰/۷۵

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۵) پرسشنامه پارسونز از پایایی لازم برای اندازه‌گیری اثربخشی مدل برخوردار است.

(۱) مؤلفه انطباق

جدول ۶: اولویت‌بندی گویه‌های مرتبط با مؤلفه انطباق

شماره گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضرب تغییرات
۶	۳/۰۵	۱/۰۲۱	۰/۳۳۴
۱۱	۲/۹۵	۰/۹۸۸	۰/۳۳۵
۱۷	۳/۳۲	۱/۱۳۶	۰/۳۴۲
۱۵	۲/۰۷	۱/۰۵۵	۰/۳۴۳
۱۶	۲/۸۲	۱/۰۹۳	۰/۳۸۷
۱۸	۲/۳	۱/۰۳۸	۰/۴۵۱
۲۱	۳/۱۷	۰/۲۴۱	۰/۳۴۷

نتایج تحلیل گویه‌ها برای مؤلفه انطباق حاکی از آن است که گویه‌های شماره ۱۷ «همسو شدن اهداف کارکنان با اهداف سازمان» و ۲۱ «انگیزه یادگیری مشارکتی در کارکنان» بالاترین میانگین را از دیدگاه شرکت‌کنندگان کسب نموده‌اند.
(۲) مؤلفه کسب هدف

جدول ۷: اولویت‌بندی گویه‌های مرتبط با مؤلفه کسب هدف

شماره گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضرب تغییرات
۱	۳/۱۲	۱/۲۲۱	۰/۳۰۲
۲	۳/۴۵	۰/۴۱۸	۰/۳۳۴
۵	۳/۴۴۴	۱/۵۶۶	۰/۳۵۵
۷	۴/۳۵	۱/۱۱۵	۰/۳۷۴
۱۲	۳/۵۲	۱/۰۹۷	۰/۳۲۳۴
۱۴	۳/۰۴	۱/۰۳۸	۰/۴۲۱
۱۷	۴/۲۷	۱/۰۲۴	۰/۳۲۴

نتایج تحلیل گویه‌ها برای مؤلفه کسب هدف حاکی از آن است که گویه‌های شماره ۵ «افزایش توان یادگیری کارکنان» و ۷ «ارتقای کیفی عملکردها و فعالیت‌ها» بالاترین میانگین را از دیدگاه شرکت‌کنندگان کسب نموده‌اند و گویه‌های شماره ۱ «مشارکت فعال کارکنان در تصمیم‌گیری‌های سازمان» و ۱۴ «مشارکت فعال کارکنان در تصمیم‌گیری‌های سازمان» کمترین امتیاز را داشته‌اند.

۳) مؤلفه یگانگی

جدول ۸: اولویت‌بندی گویه‌های مرتبط با مؤلفه یگانگی

شماره گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضرب تغییرات
۳	۴/۷۴	۱/۱۲۴	۰/۳۵۴
۴	۳/۶۲	۰/۷۵۴	۰/۳۲۴
۸	۳/۴۷	۱/۱۳۴	۰/۳۵۲
۹	۴/۸۲	۱/۰۵۷	۰/۳۷۳
۱۰	۴/۲۵	۱/۰۹۸	۰/۳۸۷
۲۰	۳/۱۴	۱/۰۲۸	۰/۴۴۴
۲۲	۴/۰۴	۱/۰۸۹	۰/۳۵۷

در جدول فوق نتایج تحلیل گویه‌ها برای مؤلفه یگانگی ارائه شده است نتایج حاکی از آن است که گویه‌های شماره ۳ «افزایش رضایت شغلی کارکنان» و ۹ «کاهش مقاومت در برابر تغییرات و آسان شدن پذیرش و دگرگونی و نوگرایی در عملکردها و فعالیت‌ها» بالاترین میانگین را از دیدگاه شرکت کنندگان کسب نموده‌اند و گویه شماره ۲۰ «هماهنگی میان اهداف و عملکردها و فعالیت‌ها» کمترین امتیاز را داشته‌اند.

۴) مؤلفه حفظ الگوها

جدول ۸: اولویت‌بندی گویه‌های مرتبط با مؤلفه حفظ الگوها

شماره گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضرب تغییرات
۱۹	۴/۰۸	۱/۰۲۱	۰/۳۰۲
۲۳	۴/۰۶	۰/۰۲۵	۰/۳۱۲
۲۴	۴/۱۸	۱/۱۶۷	۰/۳۳۳
۲۵	۳/۲۴	۱/۰۷۳	۰/۳۴۵
۲۶	۳/۳۵	۱/۰۳۳	۰/۳۴۷
۲۷	۳/۸۷	۱/۰۳۵	۰/۴۱۰
۲۸	۳/۱۱	۱/۰۵۴	۰/۳۱۳

در جدول فوق نتایج تحلیل گویه‌ها برای مؤلفه حفظ الگوها ارائه شده است نتایج حاکی از آن است که گویه شماره ۲۴ «برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه و متناسب با جوامع امروزی» بالاترین میانگین را از دیدگاه شرکت کنندگان کسب نموده و گویه‌های ۲۵ تا ۲۸ کمتر از میانگین فرضی پرسشنامه بوده‌اند.

جدول ۹: توزیع درصد فراوانی هر یک از مؤلفه‌های اثربخشی سازمانی از دیدگاه پاسخ‌گویان

مؤلفه‌ها	نمره گویه‌ها		پایین		متوسط		بالا	
	نمره	نمره کامل	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
انطباق	۲۱	۳۵	۱۷/۹	۳۳۸	۷۰/۸	۱۵۰	۲۴	۱۱/۳
کسب هدف	۱۹	۳۵	۲۲/۲	۴۵	۵۹/۶	۱۲۱	۳۷	۱۸/۲
یگانگی	۲۱	۳۵	۳۹/۳	۸۴	۵۳/۷	۱۱۵	۱۵	۷
حفظ الگوها	۲۵	۳۵	۱۵/۱	۳۲	۶۷/۵	۱۴۳	۳۷	۱۷/۵
اثربخشی (کل)	۸۶	۱۴۰						

در جدول فوق نمرات مؤلفه‌ها و نمره کل متغیر اثربخشی پترسون و همچنین فراوانی و درصد پاسخ‌گویی توسط مشارکت‌کنندگان به صورت تفکیکی ارائه شده است. به صورت کلی می‌توان گفت در همه مؤلفه‌ها نمرات پاسخ‌گویان حول میانگین فرضی پرسشنامه بوده و تنها در مؤلفه حفظ الگوها مقادیر کسب شده نسبت به بقیه مؤلفه‌ها تفاوت دارد. برای اولویت‌بندی کلی و مقایسه مؤلفه‌های اثربخشی سازمانی با میانگین فرضی پرسشنامه (۳) از آمار توصیفی و آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌شود که نتایج در جدول زیر ارائه شده است.

اولویت‌بندی کلی مؤلفه‌ها و تعیین اثربخشی نهایی مدل

جدول ۱۰: اولویت‌بندی کلی و مقایسه مؤلفه‌های اثربخشی سازمانی

رتبه	مؤلفه‌های اثربخشی	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	t	سطح معنی‌داری
۳	انطباق	۳/۹۲	۱/۰۵	۰/۳۵۹	۰/۳۵۴	۰/۰۰۱
۴	کسب هدف	۳/۷	۱/۱۵	۱/۴۲۸	۱/۲۴۱	۰/۰۰۱
۲	یگانگی	۴	۱/۱۷۲	۱/۳۹۰	۰/۱۲۸	۰/۰۰۱
۱	حفظ الگوها	۴/۴۷	۱/۲۷	۱/۳۶۵	۲/۲۵۶	۰/۰۰۱
	میانگین کل	۴/۰۲	۱/۱۶	۱/۳۸۵	۰/۱۳۵	۰/۰۰۱

براساس اطلاعات جدول، نتایج حاکی از آن است که مؤلفه حفظ الگوها با میانگین ۴/۴۷ بالاترین و مؤلفه کسب هدف با میانگین ۳/۷ پایین‌ترین امتیاز را کسب نموده‌اند. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای نیز بیان می‌کند که همه مؤلفه‌های اثربخشی سازمانی برای مدل طرح شده تفاوت معنی‌داری با میانگین فرضی پرسشنامه دارند و می‌توان گفت پاسخ‌گویان اثربخشی مدل مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی را در حد خوب و بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

نتیجه گیری

امروزه مدیریت و سازمان و تشکیلات بیشترین تأثیر را در نحوه زندگی افراد و اجتماع بر عهده داشته و می‌توان گفت که دنیای سازمان‌ها، دنیای ما را می‌سازند. در چنین موقعیتی است که باید حساسیت بسیار بالایی نسبت به اثربخش ساختن دنیای سازمان‌ها از طریق بهبود مدیریت فراهم آید. بر این اساس هر قدمی که در این زمینه برداشته شود سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. در این پژوهش، توان مدیریت عرفان اسلامی برای تأثیرگذاری بر نظام مدیریت انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. به همین منظور برای تعیین اثربخشی در اجرا، ضمن کار کتابخانه‌ای و میدانی، پرسشنامه پارسونز در اختیار جمعی از صاحب‌نظران ذیربط قرار گرفت تا آن را مورد بررسی قرار دهند. نتیجه این داوری‌هایی، تأیید توانایی این مدل برای تأثیرگذاری بر سلامت مدیریت سازمانی نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی بود. نهایتاً این پژوهش توانست پیوند تأثیرگذار عنصر مهم مدیریت عرفان اسلامی را در انقلاب اسلامی به نمایش گذاشته و ملازم بهبود مدیریت سازمانی انقلاب شکوهمند اسلامی شمرده شود. همچنین بستری را فراهم می‌سازد تا دیگر پژوهشگران بتوانند با عنایت به روش و نتایج این مطالعه، به انجام پژوهش‌های بیشتر پیرامون موضوع تشویق گردند.

پیشنهادها

با توجه به اینکه پدیده‌های احوال و ثبوت مقامات عرفان اسلامی در التفات لحظه به لحظه انسان تأثیر گزار است، این خود مراقبتی و خدا بینی و فنای فی‌الله شدن و بقای بالله یافتن، مطابق حدیث «وَ يَذْكُرْ عِلْمِي بِهِ وَ يَرَأِقِينِي بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ عِنْدَ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ» (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۴). باعث موفقیت مدیر عارف اسلامی در انجام رسالت خطیر فردی و خاصه مهم اجتماعی و مدیریتی شده و عاملی مؤثر در اجتناب از آلودگی‌های شیطانی و سیئات و معاصی او به‌شمار می‌رود، لذا پیشنهاد می‌گردد:

(۱) تدریس عرفان اسلامی، خاصه اندیشه‌های عرفانی بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری در رشته‌های مدیریت دانشگاه‌ها و همچنین در آموزش‌های بدو و حین خدمت مدیران سطوح مختلف نظام، تدریس و تبیین شود تا در سیره و عمل مدیران قوام و دوام ارزش‌های اسلام و انقلاب تجلی یابد.

(۲) از آنجا که در آیه ۱۲ سوره انعام «... کتب علی نفسه الرحمة..» نظام آفرینش مرهون رحمت و محبت الهی است و مطابق آیه ۱۵۹ آل عمران، علت موفقیت پیامبر اسلام به‌عنوان برترین حاکم اسلامی صلی‌الله‌علیه و آله، نرم‌خویی و مهرورزی و اجتناب از سخت‌دلی و تندخویی اعلام شده است لذا آموزه‌های مدیریت عرفان اسلامی که بر مبنای آیه ۵۹ سوره مائده بر محبت «يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ» بنا شده است پیشنهاد می‌شود اهتمام مسئولان نظام در رویکرد تبیین و تبلیغ و ترویج جهان‌شمولی اسلام و انقلاب اسلامی با بهره‌جویی از این سبک ابتناء شود.

۳) تأسیس اندیشکده مدیریت عرفان اسلامی در تولید و ترویج این سبک مدیریت به‌عنوان «علت مبقیه» انقلاب اسلامی پیشنهاد می‌شود.

References

- The Holy Quran.
- Abedi Jafari, Hassan; Rastegar, Abbas Ali (2007), The Rise of Spirituality in Organizations, Iranian Journal of Management Sciences, Second Year, No. 5. (In Persian)
- Ahmadi, Massoud (2014), "Fundamentals of Organization and Management", Cultural Research Publications, 18th edition. (In Persian)
- Alwani, Seyed Mehdi & etal (2013), "Presenting a Model of Spiritual Leadership in the Iranian Administrative System", Public Management (Management Knowledge), Iran, Volume 5, Number 1, Islamic Azad University, Qazvin Branch. (In Persian)
- Astral, Abbas Ali (2005), "Scientific management of a school from the perspective of Islam", Islamic Propaganda Organization Publications. (In Persian)
- Bahrami Qasr Chami, Khalil (2016), "The Impact of Mystical Teachings on Productivity Management in Public and Private Organizations in Iran", Quarterly Journal of Literature, Mysticism and Philosophy Studies.
- Dailami, Hassan Ibn Abi Al-Hassan (1412), "AH, Guidance of the hearts to the righteous salvation from action to the best of punishments", Razi, vol. 1. (In Persian)
- Danaeifard, Hassan; Kordanaij, Assadollah; Lajevardi, Samaneh (2011), "Improving the policy-making capacity of the country", typology of the role of public management think tanks, year 6. Issue 3. (In Persian)
- Gorji, Ibrahim; Barkhordari, Sajjad (2007), *Fundamentals of Research Methods in Social Sciences*, Tehran. (In Persian)
- Hanbal, Ahmad (1416), "Mosnad Beirut Al-Risalah Institute", vol. 25. (In Persian)
- Jafari Shurgol, Sakineh (2013), "Reflections on Organizational Spirituality with Islamic Approach, Studies of Islamic and Iranian Progress Pattern", spring and summer, Volume Two, Number Two. (In Persian)
- Javadi Amoli, Abdullah (1999), *Faqih*; Province of Jurisprudence and Justice, Qom, vols. 90 and 99, publication of prisoners. (In Persian)
- Kazemi, Khadijeh (2008), "Management Based on Spirituality", Tadbir Magazine, No. 149. (In Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2014), Publication of works, publishing house of culture and works of Ayatollah Khamenei. khamenei.ir. (In Persian)
- Khomeini, Ruhollah (1410), *Comments on Sharh Fusus al-Hakam and Mesbah Al-Ans*, Islamic Revolutionary Guard Corps. (In Persian)
- Khomeini, Ruhollah (1977), *Velayat-e Faqih*, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (In Persian)

- Khomeini, Ruhollah (1981), Speech 18 Shahrivar, *Sahifa of Imam Khomeini*, Qom. Publication of Imam Khomeini's works, Volume 15. (In Persian)
- Khomeini, Ruhollah (1989), *Sahifa Noor*, Imam Khomeini Publishing House, Volume 19. (In Persian)
- Khorrampour, Firoozeh (2018), *Ethical requirements of Imam Ali's (AS) spiritual management in the dimension of social governance*. (In Persian)
- Klini, Mohammad Ibn Yaqub (1400), *Al-Kafi*, Qom, darolhadic.
- Majlisi, Mohammad Baq (1984), *Baharalanvar, Beirut: Al-Wafa Foundation*, Mustamali, Ismail Ibn Mohammad, Explanation of the Knowledge of the Religion of Sufism, vols. 1 and 2, published by Mohammad Roshan, Tehran. (In Persian)
- Moafi madani, Seyedeh Khadijeh & et.al (2016), Analysis of Barriers to Spiritual Management in Islamic Azad Universities of Mazandaran Province. (In Persian)
- Motahari, Morteza (2004), *Atar Collection*, Qom. Sadra Publications, Vol. 23. (In Persian)
- Motaharnia, Mehdi (2003), "Political Mysticism in the Process of the Islamic Revolution of Iran", Quarterly Journal of Islamic Revolution Thought, No. 5, 42-53. (In Persian)
- Mottaqi Al-Hindi, Alauddin (1989), "The treasure of deeds in the tradition of words and actions", research of Sheikh Bakri Hayani, glorification of Sheikh Safwa al-Saqqa, Beirut, Al-Risalah Institute, vol. (In Persian)
- Mulla Sadra, Mohammad Ibn Ibrahim (1981), *The Supreme Wisdom in the Four Mental Travels*, Beirut Publisher: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi. (In Persian)
- Najafi, Habiba and others (2017), "The effect of spiritual leadership on job satisfaction of employees with the mediation of spiritual health to present a structural equation model", Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Spring and Summer, Volume 6, Number 1. (In Persian)
- Nouriha, Hassan Ali (2003), Imam Mysticism and its Impact on the Islamic Revolution of Iran, Collection of Works of the Congress of Moral-Mystical Thoughts of Imam Khomeini (RA) - Volume 15, Page 217. (In Persian)
- Qaisari, Davood (1416), *Introduction to Qaisari's commentary on Fusus al-Hakam*, Anwar al-Huda Publications. (In Persian)
- Qomi, Abbas (1997), *Ship of the Sea and the City of Judgment and Works*, Astan Quds Razavi Research Foundation. (In Persian)
- Rudgar, Mohammad Javad (2011), "The Islamic Revolution and Mysticism with an Approach to the Views of Imam Khomeini", Studies of the Islamic Revolution in the Eighth Winter of 2011, No. 27. (In Persian)
- Rudgar, Mohammad Javad (2018), "The nature of social mysticism based on the component of the perfect man from the perspective of Imam Khomeini", Journal of Philosophy of Religion, Volume 15, Number 4. (In Persian)
- Sajjadi, Seyed Jafar (2008), *Dictionary of Mystical Terms*, Tahoori Publications, Fourth Edition. (In Persian)
- Sharifian, Mehdi et al. (2012), "Manifestation of Ashura Epic and Mysticism in the Literature of the Islamic Revolution of Iran, Sustainability Literature", (Literature and Language Journal of Kerman Faculty of Literature and Humanities, Volume 3, Number 5-6, 237 - 257. (In Persian)

-
- Sheikhhinejad, Fatemeh; Ahmadi, Golnaz (2008), *Comprehensive Portable of Humanities*, Tadbir, No. 202 .(In Persian)
 - Stroksen, I. & Thorsen, A. A. (2011), "Young Childrens Participations in a Q Study with Visual Images: Some Comments on Reliability and Validity", *Operant Subjectivity: The International of Q Metodology*, 34 (3), 146-171
 - Tabrizi, Mohammad Hussein (2001), *Definitive Argument*, Nima Publishing. (In Persian)